

دین اسلام تشکیلاتی تر از قدیمی‌ترین حزب‌ها و تشکل‌ها و مجموعه‌های و شاید علت رشد و بالندگی دین اسلام نیز همین باشد. به‌راستی، کدام تشکل را در تاریخ بشر سراغ دارید که نه تنها گردهمایی سالانه، ماهانه یا هفتگی داشته باشد که تجمع روزانه نیز برگزار کند. اسلام در هر شبانه‌روز پنج بار (حداقل سه بار) افراد را در کنار هم جمع کند. اسلام قوی‌ترین سیستم فراخوانی جمعیت را با کم‌هزینه‌ترین شکل ممکن فراهم کرده است؛ از طریق مسجد و نماز. اگر احزاب بزرگ دنیا به خود می‌بالند که می‌توانند با هزینه‌های گزاف شمار زیادی از هواداران خود را در هر سال یک‌بار گرد هم آورند (آن هم بدون آنکه اطمینان داشته باشند رضایت همه‌ی هواداران خود را جلب کرده‌اند)، دین اسلام در هر شبانه‌روز، به‌سهولت اجتماعی میلیونی را فراهم می‌آورد.

بررسی مسجد اجازه می‌دهد تا نام مسجد و نام خداوند همواره در سراسر گیتی بلند باشد و مشعل‌های هدایت الهی، از این مکان‌ها، بر سراسر جهان نور افشانی کند. مسجد موضوعی است که مسلمانان از منظرهای گوناگون، در گذر زمان، به آن توجه کرده‌اند. معماران بزرگ سعی کرده‌اند بناهای ماندگاری در تاریخ اسلام از خود بر جای بگذارند و امروز در سرزمین‌های اسلامی مسجدهایی را می‌توان یافت که بیش از هزار سال قدمت دارند. از حیث تحولات اجتماعی می‌توان گفت هیچ حرکت و تحولی را در سرزمین‌های اسلامی نمی‌توان یافت که مسجد در آن نقش نداشته باشد. از منظر فقه، کمتر موضوعی را می‌توان یافت که به اندازه‌ی مسجد مورد اهتمام فقها قرار گرفته باشد.<sup>۱</sup>

واژه‌ی مسجد در لغت

در متون و فرهنگ اسلامی، مسجد به مکانی گفته می‌شود که عبادتگاه مؤمنان باشد. وجه تسمیه مسجد این

۱. احکام مسجد، چاپ مرکز رسیدگی به امور مساجد، ص ۱۵-۱۱۶.

است که سر به سجده نهادن مظهر اوج فروتنی و کرنش آدمی در برابر خداوند است.<sup>۲</sup> برخی گفته‌اند:

«واژه‌ی مسجد عربی‌شده‌ی مزگت فارسی است که به همان معنا در قدیم به کار رفته است. هنوز هم برخی از نیایشگاه‌های تاریخی ایران، مانند اسپه مزگت (مسجد سفید) در گیلان، همان نام فارسی خود را حفظ کرده‌اند. عرب‌ها پس از وام‌گیری از این واژه از پارسی، از آن واژه‌هایی مانند سجود، سجاد و سجاده ساختند».<sup>۳</sup>

### واژه‌ی مسجد در قرآن

کلمه‌ی مسجد در مجموع ۲۸ مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است که ۲۲ مورد آن به صورت مفرد و ۶ مورد آن به صورت جمع آمده است. در این آیه‌ها به اهمیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره‌ای از احکام مسجد، مسجدالحرام و احکام خاص آن، مسجدالاقصی و مسجد اصحاب کهف اشاره‌هایی شده است.<sup>۴</sup> البته از این تعداد ۱۵ مورد درباره‌ی مسجدالحرام است، یک مورد درباره‌ی «مسجدالاقصی»<sup>۵</sup> و یک مورد درباره‌ی «مسجد»<sup>۶</sup>.

### اهمیت مسجد

آیات متعدد قرآن به روشنی اهمیت و ارزش ویژه‌ی مسجد را در جامعه نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که هیچ کانون و مرکزی نمی‌تواند همتا یا جایگزین آن باشد. این حقیقت با توجه به فواید، آثار و کارکردهای گوناگون مسجد از نگاه قرآن روشن و اثبات‌پذیر است. در برخی آیه‌های قرآن، این حقیقت به‌طور ویژه و با تعبیرهایی خاص بیان شده است:

الف - آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی نور:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ...»، انوار هدایت الهی در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن داده است که قدر و منزلت آن‌ها رفعت یابد... .

<sup>۲</sup>. دانش‌نامه‌ی قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۲، ص ۲۰۵۲.

<sup>۳</sup>. <http://fa.Wikipedia.org>

<sup>۴</sup>. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ذیل کلمه‌ی مسجد.

<sup>۵</sup>. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱

<sup>۶</sup>. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۷

مقصود از «بیوت» مساجد است<sup>۷</sup> یا اینکه مساجد از مصادیق روشن و قطعی آن است<sup>۸</sup>. رفع نیز به معنای قدر و منزلت والای است.<sup>۹</sup> بنابراین، مساجد خانه‌هایی هستند که خداوند خواسته است رفعت و منزلت داشته باشند و همواره به آن‌ها تعظیم و احترام شود. مؤید این مطلب روایت‌هایی است که مساجد را خانه‌های خدا در زمین معرفی کرده است. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند:

«الْمَسَاجِدُ بِيُوتُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ...»<sup>۱۰</sup>، مساجد خانه‌های خدا در زمین‌اند...

عظمت و برتری حقیقی اصالتاً از آن خداست و عظمت و برتری هر چیز دیگری به اندازه‌ی ارتباطی است که با او دارد. در آیه‌ی یادشده، پس از بیان عظمت و اهمیت مسجد به راز آن نیز اشاره شده است: «وَيُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدُوِّ وَالْآصَالِ»، و خداوند اذن داده که نام او در آن خانه‌ها برده شود و هر صبح و شام در آن‌ها تسبیح او گویند.

معنای دو جمله‌ی یادشده این است که دلیل عظمت و اهمیت مساجد ذکر و تسبیح مستمر خدا در آن‌هاست. مرحوم طبرسی درباره‌ی جمله‌ی «أَنْ تُرْفَعَ» می‌گوید: «مقصود این است که مساجد را تعظیم نموده و آن را از نجاسات، معاصی و پلیدی حفظ و پاک نگه دارید»<sup>۱۱</sup>.

شایان ذکر است که عبارت «أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» همه‌ی مساجد را شامل می‌شود؛ گرچه همه‌ی مساجد در اهمیت و قداست در یک درجه نیستند. بنابراین، سخن مفسرانی که گفته‌اند آیه‌ی یادشده مساجدی را شامل می‌شود که چند تن از انبیای الهی آن‌ها را تأسیس کرده‌اند، اشاره به مهم‌ترین و شاخص‌ترین مسجدهاست. آن مسجدها عبارتند از: کعبه که سازنده‌ی آن حضرت ابراهیم و اسماعیل بودند، مسجد بیت‌المقدس که حضرت سلیمان آن را بنا کرده است و مسجد مدینه (مسجدالنبی) و مسجد قبا که پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آن را ساخت.<sup>۱۲</sup>

ب- آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی جَنّ:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»، مساجد از آن خداست؛ پس هیچ کسی را با خدا نخوانید.

<sup>۷</sup>. الکشاف، ج ۳، ص ۲۴۲ و مجمع‌البیان، جلد ۸۷، ص ۲۲۷.

<sup>۸</sup>. المیزان، جلد ۱۵، ص ۱۲۶.

<sup>۹</sup>. المیزان، جلد ۱۵، ص ۱۲۶.

<sup>۱۰</sup>. مجمع‌البیان، جلد ۸۷، ص ۲۲۷ و بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۲۷.

<sup>۱۱</sup>. المیزان، جلد ۱۵، ص ۱۲۶.

<sup>۱۲</sup>. مجمع‌البیان، جلد ۸۷، ص ۲۲۷.

در این آیه خداوند با تأکید می‌فرماید که مساجد از آن خداست. مفسران احتمال‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند که در این آیه مقصود از «المساجد» چیست؛ از جمله اینکه مقصود از آن، مسجد به معنای معروف و معمول آن است (بناهای خاصی که به نام مسجد شهرت دارند و برای اقامه‌ی نماز و بندگی و یاد خدا بنا شده‌اند). طبق این تفسیر، معنای آیه این است که مسجدها مختص خداست؛ پس در آن غیر او را پرستش نکنید.<sup>۱۳</sup> گروهی از مفسران گفته‌اند مقصود از «المساجد»، در آیه‌ی مذکور، همه‌ی زمین است؛ زیرا پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند:

«جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا»<sup>۱۴</sup>، زمین برای من مسجد و محل سجده قرار داده شده است.

در این صورت، معنای آیه این می‌شود که مساجد (زمین) از آن خداست؛ پس در آن غیر خدا را پرستش نکنید. خداوند به اولین مسجد بناشده در زمین سوگند یاد کرده است که اهمیت و عظمت آن را نشان می‌دهد. مرحوم طبرسی می‌گوید برخی مفسران گفته‌اند مقصود از «وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ»، (سوگند به خانه‌ی آباد)<sup>۱۵</sup>، کعبه و بیت‌الحرام است که همواره با حج و عمره آباد است و این اولین مسجد بناشده برای عبادت در زمین است.<sup>۱۶</sup>

علاوه بر آیه‌های یادشده، خداوند در موارد متعددی این مراکز مقدس را «مساجد الله»، مسجدهای خدا نامیده است<sup>۱۷</sup> و آن را به نام مبارکش اضافه کرده است. این امر لطف و عنایت خاص او به این اماکن و اهمیت و عظمت آن را نشان می‌دهد.

نیاز به مسجد

آیه‌های قرآن و سنت پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گویای این حقیقت است که جامعه‌ی دینی و اسلامی فقط با محوریت مسجد شکل می‌گیرد و تأسیس مسجد از اولین نیازهای جدی جوامع دینی و توحیدی است. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از هجرت از مکه به مدینه، در اولین اقدام، دو مسجد قبا و مدینه (مسجدالنبی) را بنا کردند و با محوریت

<sup>۱۳</sup>. زیده البیان، ص ۸۱.

<sup>۱۴</sup>. همان و بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۷۸.

<sup>۱۵</sup>. سوره‌ی طور، آیه‌ی ۴.

<sup>۱۶</sup>. مجمع البیان، جلد ۹-۱۰، ص ۲۴۷.

<sup>۱۷</sup>. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۴ و سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۷ و ۱۸.

مسجد به سایر امور سامان بخشیدند. حضرت پس از ورود به قریه‌ی قبا (که در شش کیلومتری مدینه‌ی آن عصر قرار داشت)، مسجد قبا را ساختند و آن را مرکز فعالیت‌های چندروزه‌ی خود قرار دادند. مفسران<sup>۱۸</sup> آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی توبه را به مسجد قبا مربوط دانسته‌اند:

«لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»<sup>۱۹</sup>، آن مسجدی که روز نخست برپایه‌ی تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی. در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از تأسیس مسجد قبا و اقامت چند روزه در آنجا روانه‌ی مدینه شدند. ایشان در اولین گام مسجدالنبی را ساختند و آن را مرکز همه‌ی فعالیت‌های خود قرار دادند. مسلمانان حتی خانه‌های خود را هم در کنار دیوار مسجد بنا کردند و به‌این ترتیب یثرب<sup>۱۹</sup> با مرکزیت مسجد، به جامعه‌ای دینی بدل شد. برخی مفسران آیه‌ی یادشده را اشاره به مسجدالنبی دانسته‌اند.<sup>۲۰</sup> در آیه‌ی ۸۷ سوره‌ی یونس آمده است:

«وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲۱</sup>، به موسی و برادرش (هارون) وحی کردیم که برای قوم خود خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و خانه‌هایتان را رو به قبله قرار دهید و نماز را بر پا دارید و مؤمنان را مژده ده.

برخی مفسران در تفسیر آیه‌ی یادشده گفته‌اند موسی (علیه‌السلام) پس از نابودی فرعون وارد مصر شد. او و برادرش، هارون، مأمور شدند بنی‌اسرائیل را برای بنای مساجدی راهنمایی کنند که مرکز یاد و عبادت خدا باشد و آن‌ها موظف بودند مساجدشان را به سمت قبله، یعنی کعبه، بسازند.<sup>۲۱</sup>

این تفسیرها گویای این حقیقت است که داشتن مسجد از اولین ضرورت‌های جوامع دینی است؛ زیرا موسی (علیه‌السلام) و برادرش هارون (علیه‌السلام) موظف بودند در اولین فرصت، پس از نابودی جبار عصر خود، مساجدی مناسب بسازند. همان‌گونه‌که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در اولین فرصت، پس از هجرت، دو مسجد قبا و مدینه

<sup>۱۸</sup>. مجمع البیان، ص ۱۲۷ و المیزان، جلد ۹، ص ۳۹۰.

<sup>۱۹</sup>. نام مدینه پیش از اسلام.

<sup>۲۰</sup>. مجمع البیان، جلد ۵-۶، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

<sup>۲۱</sup>. مجمع البیان، جلد ۵-۶، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

را تأسیس کردند و با مرکزیت مسجد آئین خود را گسترش دادند.

نتیجه اینکه، آیه‌های قرآن الهام‌بخش این حقیقت است که هرگاه مؤمنان بخواهند مکانی برای سکونت و زندگی انتخاب کنند، نخست باید به فکر مسجد باشند و با محوریت مسجد زندگی کنند؛ زیرا مسجد محل ذکر و یاد خداست؛ و همان‌گونه که در آیه‌ها آمده است،<sup>۲۲</sup> ذکر و یاد خدا تنها راه آرامش بشر مضطرب و سرگردان در وادی مادیت است:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۲۳</sup>، آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

بنابراین، وجود مساجد و معابد در شهرها و آبادی‌ها مایه‌ی آرامش و مانع زوال و نابودی آن‌هاست.

### بنای مسجد

ساخت مسجد از امور بسیار ارزشمند است و نوعی عبادت به‌شمار می‌آید. در روایت‌های اسلامی، تأکید و تشویق فراوانی بر این کار شده است.<sup>۲۴</sup> بنا به نظر عده‌ای از مفسران در تفسیر آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی نور، خداوند به‌طور خاص دستور داده است که مسلمانان باید مسجد بسازند: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ...» (انوار هدایت الهی) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند زمان داده است که آن را بنا نمایند.

خدای تعالی صحنه‌ی ساخت اولین مسجد و حال و هوای ستودنی سازندگان آن را چون خاطره‌ای به‌یادماندنی بیان کرده است: «وَ إِذِ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۲۵</sup>، و به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، (و می‌گفتند): پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی.

قرآن همچنین از مسجد قبا به نیکی یاد می‌کند و مسلمانان را به حضور و عبادت در آن را تشویق می‌کند: «...لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...» همانا مسجدی که از روز نخست براساس تقوا بنا نهاده شده، سزاوارتر است که در آن به نماز بایستی.<sup>۲۶</sup>

<sup>۲۲</sup> سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۴ و سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰ و سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶

<sup>۲۳</sup> سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸

<sup>۲۴</sup> وسائل الشیعه، جلد ۵، ص ۲۳.

<sup>۲۵</sup> سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۷

<sup>۲۶</sup> سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۸

در مورد سلیمان (علیه السلام) در قرآن می‌خوانیم که خدا عده‌ای از جنیان را در اختیار او قرار داده بود که برایش محراب و مسجد بسازند.

«وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُها شَهْرٌ وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ...»<sup>۲۷</sup>، و باد را برای سلیمان [رام کردیم] که رفتن آن بامداد، یک ماه و آمدنش، شبانگاه، یک ماه [راه] بود و معدن مس را برای او ذوب [و روان] گردانیدیم و برخی از جنّ به فرمان پروردگارش پیش او کار می‌کردند و هر کس از آن‌ها از دستور ما سر برمی‌تافت، از عذاب سوزان به او می‌چشانیدیم. برای او هر چه می‌خواست: از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها... .

#### حضور در مسجد

حضور در مسجد امر بسیار مطلوب و ارزشمندی است و آیه‌های قرآن بر آن تأکید فراوان می‌کنند. خداوند کسانی که به مسجد آموشد و در آن عبادت می‌کنند را با بهترین تعبیرها ستایش می‌کند و آنان را دوست‌داران طهارت و پاکیزگی و محبوبان خود معرفی می‌کند: «در آن مسجدی که از روز نخست برپایه‌ی تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی، در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگانی را دوست می‌دارد».<sup>۲۸</sup>

خداوند آنان را مردانی وارسته از دنیا، ذاکر خدا، اقامه‌کننده‌ی نماز، پرداخت‌کننده‌ی زکات و خائف از حوادث سخت قیامت معرفی می‌کند و از پاداش ارزشمند آنان در سرای دیگر و بهره‌مندی ایشان از فضل خدا سخن می‌گوید:

«(نور و هدایت) در خانه‌هایی (مساجدی) قرار دارد که خداوند اذن فرموده و رفعت و عظمت داشته باشند. خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و صبح و شام در آن‌ها تسبیح او می‌گویند. مردانی که نه نجاست و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا، برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند، آن‌ها از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و چشم‌ها زیرو رو می‌شود. (آن‌ها به سراغ این کارها می‌روند) تا

<sup>۲۷</sup>. سوره‌ی سبا، آیه‌ی ۱۲ و ۱۳

<sup>۲۸</sup>. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۸

خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش دهد و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید و خداوند بر هر کس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد».<sup>۲۹</sup>

و از سوی دیگر، خداوند کسانی را که مانع حضور مردم در مسجد و یاد خدا می‌شوند ظالم‌ترین انسان‌ها می‌خواند و آنان را مستحق رسوایی و ذلت در دنیا و عذاب سخت در آخرت می‌داند:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۳۰</sup>، کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن‌ها نمود؟! بهره‌ی آن‌ها در دنیا (فقط) رسوایی است و در آخرت عذاب عظیم (الهی)!

در آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی اعراف نیز به نحو روشن‌تری به حضور در مسجد تأکید شده است:

«وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...» و توجه خویش را در هر مسجدی به سوی او (خدا) کنید....

عده‌ای از مفسران، در این آیه، «مسجد» را به معنای معروف آن دانسته‌اند.<sup>۳۱</sup> بنابراین، به روشنی از این جمله اثبات می‌شود که حضور در مسجد امری مستحب و مورد تشویق و مطلوب خداوند است.<sup>۳۲</sup>

#### کارکردهای مسجد

آنچه بر اهمیت مسجد در جوامع اسلامی می‌افزاید کارکرد، آثار و فواید گوناگون آن برای مسلمانان است؛ به خصوص در بعد معنوی و روحی. در معارف اسلامی، برای مسجد کارکردهای متعددی بیان شده است که بخشی از آن در آیه‌های قرآن آمده است. در ادامه، به‌طور خلاصه کارکردهای مسجد را بررسی خواهیم کرد.

#### الف - عبادی

##### ۱- یاد خدا

ذکر خداوند حقیقت و روح دینداری است که در هر زمان و مکان و به هر اندازه‌ای باشد مطلوب و شایسته است؛ اما در جامعه‌ی دینی و الهی باید مراکز و پایگاه‌هایی وجود داشته باشد که مؤمنان در اوقات خاص در

<sup>۲۹</sup>. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶ و ۳۸

<sup>۳۰</sup>. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۴

<sup>۳۱</sup>. مجمع‌البیان، جلد ۴، ص ۲۴۱.

<sup>۳۲</sup>. بحار الانوار، جلد ۸۰، ص ۳۴۱.

آن خدا را پرستند و او را یاد کنند. به همین منظور، خداوند در کلام خویش این بناها را به خود نسبت داده، «مساجد الله» خوانده است. این اصطلاح عنایت و توجه خاص خداوند به این مراکز را نشان می‌دهد. در آیه‌های متعدد قرآن، یاد خدا به صورت وصف اصلی و جداناپذیر مسجد مطرح شده است. در آیه ۱۱۴ سوره بقره آمده است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا...» چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کنند و سعی در ویرانی آن‌ها دارند... .

از این آیه اثبات می‌شود که مهم‌ترین دلیل وجود مسجد زنده بودن یاد خدا در دل و جان بندگان اوست. فردی که مانع حضور مردم و یاد خدا در خانه‌های او شود، در زمره ستمکارترین انسان‌ها قرار می‌گیرد؛ زیرا طبق آموزه‌های قرآنی فقط یاد خدا باعث آرامش و آسایش روح انسان می‌شود. خداوند در آیه ۳۶ سوره نور می‌فرماید:

«فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَهُ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»، [نور هدایت الهی] در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن داده است که رتبه‌ی رفیع یابند؛ خانه‌هایی که نام او در آن برده می‌شود و همواره در آن تسبیح او گویند.

از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پرسیدند که بهترین اهل مسجد کیست، فرمود: کسی که بیشتر به یاد خدا باشد.<sup>۳۳</sup>

## ۲- اقامه‌ی نماز

برگزاری نماز یکی از مهم‌ترین دلایل وجود مسجد است. نماز عبادتی است که انسان مؤمن، از آغاز تا پایان آن، در ظاهر و باطن به خالق یکتا توجه و نهایت خضوع و خشوع خود را در برابر او اظهار می‌کند. خداوند خواسته است که بنده‌ی مؤمنش این عبادت ویژه را در خانه‌ی ویژه‌اش، مسجد، انجام دهد: «...مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...»<sup>۳۴</sup>، ...و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شد.

ذکر خداوند بالاترین عمل و عبادتی است که در نماز متجلی می‌شود:

<sup>۳۳</sup>. المیزان، جلد ۱۶، ص ۳۳۰ و ۱۳۱.

<sup>۳۴</sup>. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰.

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذَكَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»<sup>۳۵</sup>، و نماز را برپا دار که نماز آدمی را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد و مهم‌تر آنکه نماز یاد خداست و یاد خدا بزرگ‌ترین عمل است.

بنابراین، بهتر است که بندگان ویژه‌ی خدا عبادت ویژه‌ی خود را در خانه‌ی ویژه‌ی او (مسجد) انجام دهند. خداوند ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل (علیه‌السلام) را مأمور می‌کند خانه‌اش، کعبه و مسجدالحرام، را که مرکز همه‌ی مسجدهاست، برای بندگان نمازگزار و طواف‌کنندگان آماده و پاکیزه کنند. نماز را در هر مسجدی می‌توان اقامه کرد و نباید آن را برای رسیدن به مسجدی خاص به تأخیر انداخت. برخی مفسران آیه‌ی «... وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...»<sup>۳۶</sup> را به این معنا دانسته‌اند و گروهی دیگر آن را این‌گونه تفسیر کرده‌اند: «در وقت هر نمازی که دستور به جماعت خواندن آن داده شده به مسجد بروید».<sup>۳۷</sup>

### ۳- اعتکاف در مسجد

در این باره که اعتکاف را می‌توان در هر مسجدی انجام داد یا باید در مسجدی خاصی باشد، میان فقها اختلاف است. برخی با استناد به عموم «فی المساجد» در آیه‌ی قرآن می‌گویند: در هر مسجدی می‌توان اعتکاف کرد اما اکثر علمای شیعه اعتقاد دارند اعتکاف باید در برخی از مسجدهای خاص باشد؛ مانند مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه، مسجد بصره یا مسجد جامع.<sup>۳۸</sup>

### ۴- عروج به ملکوت و شهود آیات خدا

معراج پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مسجد آغاز شد و در پایان به مشاهده‌ی برخی آیه‌های الهی انجامید:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»<sup>۳۹</sup>، منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجدالحرام به سوی مسجدالاقصی - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد، تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست.

<sup>۳۵</sup>. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۴۵

<sup>۳۶</sup>. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹

<sup>۳۷</sup>. مجمع‌البیان، جلد ۴، ص ۲۴۱.

<sup>۳۸</sup>. تذکره الفقهاء، جلد ۶، ص ۲۴۶.

<sup>۳۹</sup>. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱

مسجد می‌تواند برای همه‌ی مؤمنان صالح مبداء عروج و رسیدن به شهود آیه‌های خدا باشد و این امر به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) منحصر نیست؛ گرچه نوع خاصی از عروج به او منحصر بوده است.

## ۵- طهارت روح و جان

خداوند در قرآن اهالی مسجد بناشده براساس تقوا و رضای الهی را چنین معرفی کرده است:

«لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»<sup>۴۰</sup>، هرگز در آن جا مایست، چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی. [و] در آن، مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند، و خدا کسانی را که خواهان پاک‌ی‌اند دوست می‌دارد.

اصلی‌ترین هدف مسجد این است که روح آدمی را از پلیدی‌ها بشوید و انسان را به جمع محبوبان خالص پروردگار برساند؛ زیرا «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»<sup>۴۱</sup>، و خدا پاکیزگان را دوست دارد. ذکر الاهی سبب تطهیر روح می‌شود و مسجد بهترین مکان برای این پالایش است.

## ۶- تقرب به خدا

مسجد از سجده و سجود آمده است. سجود به معنای نهادن پیشانی بر خاک برای اظهار خضوع و بندگی است. سجود نزدیک‌ترین حالت انسان به خدا و انتخاب نام مسجد برای خانه‌های خدا بیانگر این است که این مکان بهترین مکان برای نزدیک شدن به خداست. در موارد متعدد، خداوند این مراکز مقدس را «مساجد و مسجدهای خدا» می‌نامد<sup>۴۲</sup> و آن را به نام مبارکش اضافه می‌کند تا لطف و عنایت خاصش را به این اماکن و اهالی آن نشان دهد. «...وَيَذَكَّرُ فِيهَا اسْمَهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»<sup>۴۳</sup>، یا خانه‌هایی که نام خدا در آن برده می‌شود و صبح و شام در آن‌ها تسبیح او می‌گویند.

<sup>۴۰</sup>. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۸

<sup>۴۱</sup>. همان.

<sup>۴۲</sup>. مرحوم علامه طباطبایی، المیزان، جلد ۱۵، ص ۱۲۵.

<sup>۴۳</sup>. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶

## ۷- کرامات ربانی و الهامات رحمانی

حضور خالصانه و مستمر در مسجد به انسان کمک می‌کند که کرامت‌های ربّانی و الهام‌ها و بشارت‌های رحمانی بهره‌مند گردد. قرآن درباره‌ی مریم (سلام‌الله‌علیها) می‌گوید که او در محراب عبادتش همواره از رزق ویژه‌ی الهی بهره‌مند بود و هرگاه حضرت ذکریا (علیه‌السلام) که کفیل او بود به محراب عبادت مریم وارد می‌شد، رزق و روزی مخصوصی مشاهده می‌کرد و متعجب می‌شد:

«کفایت او (مریم) را به ذکریا سپرد. هر زمان ذکریا وارد محراب او می‌شد، غذایی مخصوص در آنجا می‌دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟! گفت: این از سوی خداست، خداوند به هر کسی بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد.»<sup>۴۴</sup>

بنابراین، حضور مداوم در مسجد برکت را به زندگی انسان وارد و آدمی را مشمول کرامت و عنایت الهی می‌کند.

### ب- تربیتی

#### ۱- نظافت و زیبایستی

خداوند به زبانی عام، صریح و روشن می‌فرماید:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...»<sup>۴۵</sup>، ای فرزندان آدم! هنگام حضور در هر مسجدی خود را بپارايد.

مؤمنان برای ادای فرایض چند بار در شبانه‌روز در مسجد حاضر می‌شوند و براساس این فرمان خدا موظف‌اند هنگام حضور در مسجد خود را بپارایند، لباس‌های زینتی بپوشند و از بوی خوش استفاده کنند. ازسوی دیگر، به ابراهیم و اسماعیل (علیه‌السلام) فرمان داده است که خانه‌اش را برای طواف‌کنندگان، معتکفان و نمازگزاران پاکیزه کنند:

«... وَعَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّافِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»<sup>۴۶</sup>

گرچه این دستور درباره‌ی خانه خدا (کعبه) و اطراف آن است (مسجدالحرام)؛ اما به آن اختصاص ندارد. هر مسجدی باید پاکیزه باشد تا مؤمنان بتوانند با آرامش خاطر در آن عبادت کنند و روح خود را جلا دهند.

<sup>۴۴</sup> . مجمع البیان، جلد ۱ و ۲، ص ۷۴۰.

<sup>۴۵</sup> . سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

<sup>۴۶</sup> . سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۵

## ۲- هدایت و نورانیت

در آیهی ۳۵ سورهی نور، خدای تعالی خود را با پدیدهی نور معرفی کرده است و می‌فرماید:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.

سپس با تمثیلی گویا این نور را تبیین کرده است:

«مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ...»، مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویا اختری درخشان است که از درخت خجسته‌ی زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می‌شود....

در ادامه‌ی تمثیل آمده است:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوِ وَالْإِصَالِ»،<sup>۴۷</sup> در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آن‌ها رفعت یابد و نامش در آن‌ها یاد شود. در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند.

ویژگی نور این است که خود آشکار است و اشیای دیگر را نیز آشکار می‌کند. این مثل بسیار گویا است و می‌تواند درک ما را درباره‌ی خدا تقویت کند؛ خدایی که قائم به ذات است و هیچ نیازی به غیر خود ندارد و همه‌ی موجودات در سایه‌ی هستی او هستی می‌یابند. خلاصه‌ی آیه‌ی ۳۵ و ۳۶ سوره‌ی نور این است که خدا نور هستی است و مرکز این نور مسجد است. همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده است:

«مساجد خانه‌های خدا در زمین هستند و برای اهل آسمان نورافشانی می‌کنند؛ آن‌گونه که ستارگان برای ساکنان زمین نورافشانی می‌نمایند».<sup>۴۸</sup>

## ۳- حاجت خواهی

از جمله کارکردهای مسجد در جوامع دینی این است که محل عرضه‌ی حوائج به پیشگاه خداوند، رازونباز با او و درخواست از فضل و رحمت اوست. در این باره، مرحوم طبرسی نقل می‌کند که برخی [مفسران] گفته‌اند:

<sup>۴۷</sup>. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶

<sup>۴۸</sup>. مجمع البیان، جلد ۷ و ۸، ص ۲۲۷.

جمله‌ی «أَنْ تُرْفَعَ» در آیه‌ی «فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ...» به معنای رفع (بردن) حوائج در مساجد به پیشگاه خداوند است. مسجد خانه‌ی خداست و برای زیارت و ملاقات او و در میان گذاشتن حوائج خویش هیچ جایی بهتر از آنجا نیست.

#### ۴- امنیت روحی و روانی

در مواردی متعدد، قرآن مسجد را مرکز یاد و ذکر خدا معرفی کرده است.<sup>۴۹</sup> از طرفی، خداوند بسیار تأکید کرده است که یاد او تنها راه است برای رسیدن به اطمینان، آرامش و امنیت روحی و روانی.

«آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد».<sup>۵۰</sup>

از سوی دیگر، در گفتگوی ابراهیم خلیل (علیه‌السلام) با مشرکان و بت‌پرستان، درمی‌یابیم که شرک عامل پریشانی، اضطراب و احساس ناامنی در روح است:

«چگونه من از بت‌های شما بترسم؟ در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا همتایی قرار داده‌اید که هیچ‌گونه دلیلی درباره‌ی آن بر شما نازل نکرده است. کدامیک از این دو دسته (بت‌پرستان و خداپرستان) شایسته‌تر به امنیت و آرامش هستند اگر می‌دانید؟ آن‌ها که ایمان آورده‌اند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، امنیت تنها از آن آن‌هاست و آن‌ها هدایت یافته‌اند».<sup>۵۱</sup>

در آیه‌ی دیگر قرآن آمده است:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَاتَ دَعْوَا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»<sup>۵۲</sup>، مساجد مختص خداست و در آن غیر او را نخوانید.

یعنی از شرک دوری کنید که عامل پریشانی و احساس ناامنی روحی و روانی است. افزون‌براین، درباره‌ی کعبه و مسجدالحرام می‌خوانیم:

«... وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...»<sup>۵۳</sup>، و هر کس وارد آن (کعبه) شود در امان خواهد بود.

مقصود از ورود به کعبه فقط ورود جسمانی نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن ورود و حضور قلبی است و منظور از امنیت

<sup>۴۹</sup>. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۴ و سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰ و سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶

<sup>۵۰</sup>. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸

<sup>۵۱</sup>. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۸۲ و ۸۱

<sup>۵۲</sup>. سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

<sup>۵۳</sup>. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۹۷

فقط امنیت ظاهری نیست؛ بلکه ضروری‌تر از آن احساس امنیت روحی و روانی است. بنابراین، مسجد پایگاه توحید و راه رسیدن به آرامش و امنیت روحی و روانی است.

### ج- اجتماعی

#### ۱- حیات دین در جامعه

در آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی حج آمده است:

«... لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»، اگر خداوند بعضی مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجد که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد و قطعاً خدا به کسی که او را یاری می‌کند یاری می‌دهد؛ زیرا خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.

هدف دین‌ستیزان در برجیدن مساجد از جوامع دینی، در واقع نابودی دین و معنویت است. به دلیل اینکه آنان می‌توانند در غیاب دین و معنویت بر جوامع سلطه یابند و به اهداف خود برسند. بنابراین، بر مؤمنان و متدیان واجب است که با همه‌ی وجود از مساجد و معابد حفاظت کنند. البته، روشن است که مقصود از حفاظت مساجد در برابر دشمنان فقط حفاظت بنای آن نیست؛ بلکه مهم‌تر از آن حفظ مساجد از افکار و برنامه‌های پلید دشمنان است.

#### ۲- انس و وحدت

در آیه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره‌ی توبه دو نوع مسجد مطرح شده است: مسجد ضرار و مسجد بناشده بر اساس اخلاص و تقوا. مسجد ضرار این‌گونه معرفی شده است:

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ...»، گروهی از منافقان مسجدی ساختند برای زیان‌رساندن (به مسلمانان) و تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمینگاه بررسی کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود...

از مفهوم این آیه برداشت می‌شود که مسجد سودمند مسجدی است که به همگان نفع برساند، ایمان مردم را

تقویت کند، پایگاه وحدت و انس مؤمنان و مکانی برای فعالیت‌های اجتماعی اولیای خدا باشد. برخی مفسران از جمله‌ی «و تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ» استفاده کرده‌اند و گفته‌اند: نباید فاصله‌ی میان مسجدها آن‌چنان کم باشد که روی اجتماع یکدیگر اثر بگذارند. بنابراین، آن‌ها که به دلیل تعصب‌های قومی یا اغراض شخصی مسجدها را کنار یکدیگر می‌سازند و جماعت‌های مسلمان را چنان پراکنده می‌کنند که صفوف جماعت آن‌ها خلوت، بی‌رونق و بی‌روح شود، عملی برخلاف اهداف اسلامی انجام می‌دهند.<sup>۵۴</sup>

### ۳- مساوات

از جمله کارکردهای تربیتی و اجتماعی مسجد این است که پیام‌آور مساوات، برابری و رعایت حقوق دیگران و احترام به آن است. مسجد محل عبادت خدا، اظهار فروتنی در برابر او و آراسته‌شدن به زینت اخلاق عالی انسانی و الهی است و این امر با تعدی به حقوق بندگان خدا و سرکشی و گردن‌فرازی در تعامل با آنان سازگار نیست. خدای حکیم در وصف مسجد الحرام می‌فرماید:

«... وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...»<sup>۵۵</sup> ،... و مسجد الحرام که آن را برای

همه‌ی مردم برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند....

انحراف از مسیر حق و ستم به حقوق دیگران، عذاب دردناک الهی را به دنبال دارد. با این سخنان روشن می‌شود که خدای تعالی هرگز اجازه نمی‌دهد در خانه‌ی او به حقوق بندگان تعدی کنند و نیز روشن می‌شود که مسجد در جامعه‌ی دینی الهام‌بخش برادری، برابری، احترام به حقوق دیگران و دوری از تعدی و ستم است.

### د- اقتصادی

#### حل مشکل اقتصادی

کعبه مایه‌ی برکت است برای جهانیان و جوامع بشری:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۵۶</sup>، نخستین خانه‌ای که برای مردم و نیایش

خداوند قرار داده شده، همان است که در سرزمین مکه است که بربرکت و مایه‌ی هدایت جهانیان است.

<sup>۵۴</sup>. تفسیر نمونه، جلد ۸، ص ۱۳۸.

<sup>۵۵</sup>. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۲۵

<sup>۵۶</sup>. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۹۶

این آیه چگونه با آیه‌ی دیگری جمع می‌شود که خرید و فروش، معامله و کارهای اقتصادی را در مسجد ناخوشایند و مکروه معرفی کرده است؟<sup>۵۷</sup> در جواب می‌توان گفت که مسجد پایگاه تقویت ایمان است. خداوند ایمان و تقوا را عامل مهم بهره‌مندی از رفاه اقتصادی و آسایش معرفی می‌کند:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۵۸</sup>، و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند و برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی آن‌ها حق را تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

بنابراین، با روی آوردن به مسجد و تقویت بنیه‌های دینی و معنوی می‌توان به رفاه و آسایش مطلوب نیز

رسید.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد

---

<sup>۵۷</sup>. وسائل الشیعه، جلد ۵، ص ۲۳۳.

<sup>۵۸</sup>. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۹۶.